



Shahid Bahonar  
University of Kerman

Journal of Accounting Knowledge

Print ISSN: 2008 - 8914 Online ISSN: 2476 - 292X



Iranian  
Accounting Association

## Investigating the Relationship between Institutional Ownership and Audit Fees with Emphasizing Political Connections

*Reza Jamei\**

*Zohreh Koolivand\*\**

### Abstract

**Objective:** Auditing as an independent profession has the task of accrediting financial statements and can help build trust for stakeholders. The fees include any charges that are paid to the auditor and the audit firm in accordance with the agreement, on the basis of the contract to the auditor and the audit firm. The impact of audit factors on audit fees is very important because the lack of attention to these factors and audit pricing as a homogeneous and non-competitive commodity can negatively affect the independence and quality of audit work. On the other hand, the ownership structure of the firms by affecting the intensity of the agency problem, size, risk, and complexity of the company will affect the governance of the audit. Institutional owners are more aware of the individual investors on the company and this monitoring reduces the audit fee, reducing the agency's problems and improving the quality of the financial reporting and improving the volume of audit operations. Also, the quality of financial reporting is affected by the company's political connections. The purpose of this study was to investigate the relationship between institutional ownership and audit fees and the impact of political Connections on the relationship between institutional ownership and audit fees.

**Method:** The study has been conducted to analysis 114 firms selected using the systematic sampling from among firms accepted in the Tehran stock exchange during 2011-2017. In general, 798 firm-year observations were considered to be analyzed. For surveying the relationship between variables, multivariable regression is used by GLS approach. Also, in order to testing hypotheses we have used Panel Data approach.

**Results:** The findings indicate that there is a negative and significant relationship between institutional ownership and audit fees, but the political relationships in firms do not influence the relationship between institutional ownership and audit fees significations.

**Conclusion:** According to the findings, the auditors are paid less attention to the auditors with increasing institutional ownership, higher company monitoring and lower audit work volume. The negativity of this relationship is based on an effective monitoring hypothesis. Due to the efficient monitoring hypothesis, due to the volume of invested wealth, the institutions manage their investments more actively. One of the reasons that can be expressed does not affect the relationship between institutional ownership and audit fees. The presence

---

Journal of Accounting Knowledge, Vol. 12, No. 1, Ser.44, pp. 159-172.

\***Corresponding Author**, Associate Professor of Accounting, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.  
(Email:r.jamei@uok.ac.ir).

\*\*M.A. of Accounting, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Email:zohrehkoolivand12@gmail.com).

Submitted: 10October 2019

Accepted: 2 November 2020

Faculty of Management & Economics, Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: 10.22103/jak.2021.14837.3107

©The Authors.

of the board and directors with political connections may have sufficient monitoring of financial statements due to the maintenance of their reputations and their good reputation, and to reassure shareholders that the existence of the company's political connections does not undermine the quality of financial reporting. In fact, by specifying the operational expectations and coordination of ownership policies, there is a control over the activities of companies with government shareholders, in fact, because of the careful monitoring of the legislator, the controllers do not need additional auditor assurance.

**Keywords:** *Audit Fees, Institutional Ownership, Political Connections of Firms.*

**Paper Type:** *Research Paper.*

**Citation:** Jamei, R., Koolivand, Z. (2021). Investigating the relationship between institutional ownership and audit fees with emphasizing political connections. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(1), 159-172 [In Persian].

## بررسی رابطه مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر ارتباطات سیاسی

رضا جامعی\*  
زهرة کولی‌وند\*\*

### چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی و تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی صورت گرفته است.

روش: برای دستیابی به هدف پژوهش، داده‌های ۱۱۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ جمع‌آوری و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. به منظور بررسی روابط بین متغیرها از رگرسیون چندمتغیره و به منظور برآزش الگوی رگرسیون، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده گردید. جهت آزمون فرضیه‌ها از روش داده‌های ترکیبی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اما وجود ارتباطات سیاسی در شرکت رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را به طور معناداری تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش، با افزایش مالکیت نهادی، نظارت بر شرکت بیشتر و حجم کار حسابرسی کمتر می‌شود و حق الزحمه کمتری به حسابرسان پرداخت می‌شود، همچنین ارتباطات سیاسی در شرکت، بر میزان حق الزحمه پرداختی که با افزایش مالکیت نهادی کاهش پیدا کرده است، تأثیری ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** حق الزحمه حسابرسی، مالکیت نهادی، ارتباطات سیاسی شرکت.

**نوع مقاله:** پژوهشی.

**استناد:** جامعی، رضا؛ کولی‌وند، زهرة. (۱۴۰۰). بررسی رابطه مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر ارتباطات سیاسی. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۱)، ۱۷۲-۱۵۹.

مجله دانش حسابداری، دوره دوازدهم، ش ۱، پیاپی ۴۴، صص. ۱۷۲-۱۵۹.

\* نویسنده مسئول، دانشیار گروه حسابداری، کردستان، سنندج، ایران. (رایانامه: r.jamei@uok.ac.ir).

\*\* کارشناسی ارشد گروه حسابداری، کردستان، سنندج، ایران. (رایانامه: zohrehkoolivand12@gmail.com).

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۸

دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

## مقدمه

یکی از اهداف مهم حسابرسی ایجاد اطمینان و اعتبار به گزارشگری مالی و اعتمادسازی برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی است و در مقابل این هدف مبلغی تحت عنوان حق الزحمه حسابرسی به حساب‌رسان پرداخت می‌گردد (کریم و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). حق الزحمه حسابرسی، مبلغی است که در مقابل ارائه خدمات حسابرسی و براساس توافق بین حسابرس و واحد مورد رسیدگی، به حسابرس و مؤسسه حسابرسی پرداخت می‌گردد. عواملی که بر میزان حق الزحمه حسابرسی مؤثر هستند از اهمیت قابل توجهی برخوردارند، زیرا توجه نکردن به این عوامل سبب ایجاد اثرات مخرب و منفی بر استقلال و کیفیت حسابرسی می‌شود (مهرانی و جمشیدی ایوانکی، ۱۳۹۰). طبق پژوهش **گرفین و همکاران<sup>۲</sup>** (۲۰۱۰) عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی شامل دو بخش است، بخش اول ویژگی‌های مؤسسه مورد رسیدگی و دیگری ویژگی‌های صاحبکار است. بنابراین، هر عاملی که بر ویژگی‌های مؤسسه مورد رسیدگی و ویژگی‌های صاحبکار اثرگذار باشد با ایجاد تغییر در حجم کار حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

در ایران و طی دوره‌های گذشته، افزایش تلاش برای پیشی گرفتن مؤسسات حسابرسی از یکدیگر و فشار اقتصادی سبب شده است، صاحبان شرکت نسبت به میزان خدمات حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی حساس شده باشند (حساس یگانه و علوی طبری، ۱۳۸۲). دو عامل دیگر که حق الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، شامل ریسک حسابرسی و حجم حسابرسی درخواست شده از حساب‌رسان است. اول ریسک حسابرسی است، که در حرفه حسابرسان مؤثر است. به عنوان مثال، می‌توان از خطر دادخواهی و از دست دادن شهرت نام برد. دوم میزان حجم حسابرسی درخواست شده از حساب‌رسان که به منظور افزایش اطمینان نسبت به صورت‌های مالی، صورت می‌گیرد (سعادتیان و همکاران، ۱۳۹۲). تعیین حق الزحمه حسابرسی بر اساس دو نظریه عرضه و تقاضا مطرح می‌شود. طبق نظریه تقاضا شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند، تقاضای تلاش حسابرسی بیشتری را دارند که به نوبه خود منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود، از طرفی براساس نظریه عرضه، حاکمیت شرکتی قوی منجر به کاهش حجم کار حساب‌رسان و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شود (تی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). طبق پژوهش **ملکیان و همکاران** (۱۳۹۱) میزان و ماهیت حق الزحمه حسابرسی پرداختی تحت تأثیر سه عامل حجم عملیات، پیچیدگی عملیات و ریسک حسابرسی قرار دارد. ساختار مالکیت شرکت‌ها، می‌تواند از طریق تأثیر بر این سه عامل توصیفی حق الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد.

طبق پژوهش **میترا و همکاران<sup>۴</sup>** (۲۰۰۷)، یکی از بخش‌های ساختار مالکیت سهام‌داران نهادی است که به دلیل توانایی زیادی که در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی دارند از سایر مالکین متمایز هستند. این دسته از سرمایه‌گذاران شامل بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسه‌های بازنشستگی و ... هستند و میزان مالکیت آن‌ها از طریق نسبت سهام عادی در اختیار این مؤسسات و نهادها در یک شرکت به کل سهام آن شرکت محاسبه می‌شود (مرادزاده فرد و همکاران، ۱۳۸۸). هنگامی که سهامداران عمده شرکت‌ها، شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری باشند، مدیران این شرکت‌ها نقش وکیل سرمایه‌گذاران و سهامداران خود را در شرکت بر عهده دارند (درخششی و همکاران، ۱۳۹۴). این نوع از سهامداران با توجه به اینکه مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها را در اختیار دارند، با استفاده از نفوذ خود می‌توانند،

رویه‌های حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹). این نوع از سهامداران نسبت به سایر سرمایه‌گذاران از توانایی و نظارت بیشتری بر شرکت برخوردارند که سبب می‌شود مشکلات نمایندگی در شرکت کاهش یابد و کیفیت گزارشگری مالی رو به بهبود باشد، در نتیجه حجم عملیات حسابرسی کاهش می‌یابد که موجب کم شدن میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان می‌گردد (درخشی و همکاران، ۱۳۹۴).

یکی از عوامل بااهمیت و مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی، ارتباطات سیاسی بنگاه‌های اقتصادی است. ارتباطات را می‌توان به‌عنوان سیستم‌های ارتباطی در نظر گرفت که به بررسی ابزارهای ارتباطی می‌پردازد و می‌توان تأثیر استفاده از این ابزارها را در روابط انسانی مورد بحث قرار داد. در سطح کلان ارتباطات سیاسی به‌عنوان انتقال اطلاعات سیاسی از بخش نظام سیاسی به سایر بخش‌ها و همچنین بین نظام سیاسی و نظام اجتماعی است. ارتباطات سیاسی در سطح شرکت‌ها را می‌توان به‌عنوان ارتباط اعضای هیئت مدیره با اشخاص نزدیک به مراجع قدرت و دولت بیان کرد (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۴). کیفیت و کمیت اطلاعات حسابداری موجود در گزارش مالی یک شرکت به‌طور جدی تحت تأثیر نفوذ سیاسی موجود در شرکت‌ها قرار می‌گیرد (الدهمری و کواسماعیل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). طبق پژوهش تی و همکاران (۲۰۱۷)، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی بیشتر از سایر شرکت‌ها با مشکلات نمایندگی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی روبرو هستند، این عامل سبب می‌شود مالکان نهادی نظارت بیشتری را داشته باشند و با توجه به اینکه این نوع شرکت‌ها احتمال تقلب و مدیریت سود را بیشتر از سایر شرکت‌ها احساس می‌کنند و از حسابرسان خواهان تلاش بیشتری هستند با تلاش بیشتر حسابرسان میزان حق الزحمه حسابرسی نیز تغییر می‌کند. با توجه به مطالب بیان شده، مسئله اصلی در این پژوهش، وجود ارتباطات سیاسی و مالکیت نهادی در شرکت و تأثیر آن بر حق الزحمه حسابرسان و میزان حجم کار مورد درخواست از حسابرس در راستای کمک این به صاحبان سهام است.

به سهامداران خصوصاً سهامداران نهادی در جهت تعیین اثرات سرمایه‌گذاری کمک می‌کند و همچنین به حسابرسان، به‌منظور برنامه‌ریزی بهتر در انجام کار حسابرسی در شرکت‌های دارای سهامداران نهادی و ارتباطات سیاسی به‌منظور تعیین حجم کار حسابرسی نیز کمک می‌کند. اگرچه حق الزحمه حسابرسی در ادبیات حسابداری بررسی شده است، اما به‌طور ویژه نقش مالکیت نهادی بر حق الزحمه حسابرسی و تأثیر ارتباطات سیاسی بر این رابطه در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به مطالب گفته شده، این پژوهش به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی و تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی می‌پردازد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها و مطالعات زیادی درباره عوامل تأثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی انجام شده است که هر کدام به بررسی جنبه‌های خاصی از آن پرداخته‌اند؛ اما مهم‌ترین مطالعه‌ای که در این باره صورت گرفته و به دلیل پشتوانه نظری آن مبنای سایر مطالعات قرار گرفته، مطالعه سیمونیک<sup>۶</sup> (۱۹۸۰) است. طبق مطالعه سیمونیک (۱۹۸۰)، حق الزحمه حسابرسی به نرخ و تعداد ساعت کار حسابرسی بستگی دارد که براساس نظر حسابرس درباره پیش‌بینی میزان خطر حسابرسی و ایراد و اشکالات در صورت‌های مالی متفاوت است. عوامل مختلفی از جمله وجود کنترل داخلی، خوش‌نامی مدیران، اندازه واحد مورد رسیدگی و تعداد شرکت‌های فرعی، بر میزان برآورد حسابرس از خطر حسابرسی و زمان برای انجام

حسابرسی مؤثر است. در نهایت، حسابرس بر اساس برآورد خود از میزان ریسک که از تمرکز مدیریت، میزان مسئله نمایندگی و سایر عوامل دیگر نشأت می‌گیرد، میزان کار حسابرسی را برآورد و حق الزحمه خود را براساس آن تعیین می‌کند (علی و لسیج<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). خان و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) بیان می‌کنند، الگوی مالکیت نیز در شرکت‌های بزرگ بر حق الزحمه پرداختی به حسابرسان تأثیرگذار است. وجود سهامداران عمده در شرکت سبب می‌شود زمینه‌ها و انگیزه‌های لازم جهت نظارت بر عملکرد مدیران فراهم شود (دی آنجلو<sup>۹</sup>، ۱۹۸۱). این نوع از سرمایه‌گذاران به دلیل اینکه حجم قابل توجهی از ثروت خود را در شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند سرمایه‌گذاری خود را به صورت فعال مدیریت می‌کنند و علاقه زیادی به نظارت در بخش مدیریتی شرکت را دارند. این دسته از مالکان، بخش مدیریتی شرکت را به تمرکز بر عملکرد اقتصادی و دوری از رفتارهای فرصت‌طلبانه وا می‌دارند (مک کونل و سرواس<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۰). بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی قرار دارد (گول و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶). وجود مالکان نهادی در یک شرکت، سبب می‌شود گزارشگری مالی دارای کیفیت بالاتری شود، بنابراین، یکی از نتایج حضور سهامداران نهادی در شرکت‌ها، ارائه اطلاعات حسابداری با کیفیت است (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب گفته شده حسابرسان در شرکت‌های دارای مالکان نهادی ریسک حسابرسی پایین‌تر و در نتیجه حق الزحمه کمتری را درخواست می‌کنند.

به عقیده تی و همکاران (۲۰۱۷)، کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت قرار می‌گیرد. پژوهشگران دانشگاهی استدلال می‌کنند که نفوذ سیاسی منعکس‌کننده مشکل نمایندگی یک شرکت است (بوبری و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۳؛ چنی و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۱). در این نوع شرکت‌ها مدیران با توجه به امتیازاتی که از طریق از روابط سیاسی به دست می‌آورند، انگیزه‌های زیادی را در جهت دستکاری مدیریت سود پیدا می‌کنند. مدیران این شرکت‌ها ممکن است در ارتباط با مزایایی که دریافت کرده‌اند، انگیزه‌های نامشخصی داشته باشند با این هدف که میزان ثروت خود را به ضرر سرمایه‌گذاران خارجی افزایش دهند (چنی و همکاران، ۲۰۱۱). مدیران از ارتباطات سیاسی به عنوان ابزاری برای انتقال ثروت یا سود از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع موجب ضایع شدن حقوق سهامداران می‌شود. همچنین در شرکت‌های دارای روابط سیاسی، سلب مالکیت بیشتر است (کیان و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۰).

به عقیده تی و همکاران (۲۰۱۷)، مالکان نهادی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به دلیل وجود مشکلات نمایندگی و احتمال سوءاستفاده‌های مدیریتی خواهان تلاش حسابرسی بیشتری از حسابرسان خواهند بود. بر عکس این فرضیه، دیدگاه دیگری درباره وجود مدیران سیاسی در شرکت‌ها وجود دارد و حضور مالکان دولتی و مدیران سیاسی در شرکت به عنوان یک عامل مثبت در نظر گرفته می‌شود. بو و شارما<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۸)، بیان می‌کنند، مدیران سیاسی در شرکت‌ها به منظور حفظ خوش‌نامی خود همواره نظارت کافی بر صورت‌های مالی خواهند داشت و احساس خطر درباره شرکت‌هایی که بخشی از مالکیت آن در اختیار دولت و نهادهای وابسته به دولت است احساس نمی‌شود و کیفیت صورت‌های مالی این شرکت‌ها در سطح مطلوبی قرار دارد. با توجه به مطالب بیان شده سهامداران نهادی با نظارت فعالی که در شرکت‌ها دارند و بر عملکرد مدیریت نظارت می‌کنند می‌توان نتیجه گرفت حضور این نوع از سهامداران سبب می‌شود حسابرسان زمان انجام حسابرسی و حجم کار حسابرسی را کاهش دهند و حق الزحمه کمتری را دریافت نمایند. از طرفی وجود ارتباطات سیاسی هم می‌تواند مثبت و هم می‌تواند منفی باشد، اگر سبب کاهش کیفیت صورت‌های مالی

شود سبب افزایش حجم کار حسابرسی می‌شود و اگر نظارت کافی بر صورت‌های مالی داشته باشند حسابرسان حجم کار حسابرسی خود را افزایش نمی‌دهند.

براساس مبانی نظری بیان شده، دو فرضیه مطرح می‌شود:

فرضیه ۱: بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی شرکت، رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را تضعیف می‌کند.

### پیشینه پژوهش

**شیو همکاران**<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۸)، به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی مدیران و ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، بین ارتباطات سیاسی و ارزش شرکت، رابطه منفی وجود دارد. **تی و همکاران** (۲۰۱۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت بر رابطه مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی بود، همچنین ارتباطات سیاسی شرکت رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. **هووو همکاران**<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۷)، به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر اظهارنظر حسابرسان پرداختند، نتایج پژوهش نشان داد که دریافت گزارش مقبول با ارتباطات سیاسی مدیرعامل در ارتباط است و این ارتباط در شرکت‌های غیر دولتی نسبت به شرکت‌های دولتی قوی‌تر است، همچنین توسعه‌یافتگی بازار و مجازات‌های سخت‌گیرانه بر رابطه ارتباطات سیاسی و اظهار نظر حسابرسان تأثیر گذار است.

**خان و همکاران** (۲۰۱۱)، به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. شرکت‌ها تا زمانی که تحت حمایت سرمایه‌گذاران نهادی هستند، حق الزحمه پایین‌تری را پرداخت می‌کنند. **بو و شارما** (۲۰۰۸)، به بررسی حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، مدیران دولتی به دلیل نظارت قوی، نیاز به تلاش بیشتر حسابرسان را احساس نمی‌کنند و هیچ‌گونه رابطه‌ای بین مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی یافت نشد. **گودوین و همکاران**<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۶)، در پژوهشی رابطه بین کمیته حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است و کنترل داخلی قوی این رابطه را تقویت می‌کند.

**مهربان پورو همکاران** (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان سرمایه اجتماعی و حق الزحمه حسابرسی، به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی نشأت گرفته از دین‌داری، جمع‌گرایی و رابطه با سایر شرکت‌ها بر حق الزحمه حسابرسی اثر منفی و معناداری دارد، اما سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی اثر معناداری مشاهده نشد. **بادآورنهدی و تقی‌زاده خانقاه** (۱۳۹۷) تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت بر سرمایه‌گذاری بیش از حد و عملکرد شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد تأثیر مثبت و معناداری دارد و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی دارد. **لاری دشت بیاض و اورادی** (۱۳۹۵) ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی، ارتباط مثبت

و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند. ولی ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، همبستگی است. به منظور تدوین مبانی نظری پژوهش از مطالعه میدانی استفاده شده است. داده‌های پژوهش، از صورت‌های مالی منتشر شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران واقع در سایت سازمان بورس اوراق بهادار و هم‌چنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. پس از گردآوری داده‌های اولیه، به منظور آماده‌سازی متغیرها و انجام محاسبات لازم جهت دستیابی به متغیرهای موردنیاز پژوهش از نرم‌افزار اکسل و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار ویوز استفاده گردید.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ است. در این پژوهش، از روش حذفی سامانمند (غربالگری) برای انتخاب نمونه استفاده شده است. براین اساس هر شرکت که کلیه شرایط زیر را همزمان داشته باشد، به عنوان نمونه انتخاب می‌شود.

- به منظور مقایسه اطلاعات، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
- طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
- اطلاعات مالی آن‌ها قابل دسترس باشد و اطلاعات موردنیاز مربوط به متغیرها در دسترس باشد.
- به علت ماهیت خاص دارایی‌ها و بدهی‌ها، جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ‌ها، واسطه‌گری مالی و بانک‌ها نباشد.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، در مجموع ۱۱۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

### الگوی تحلیلی پژوهش

در این پژوهش، به منظور آزمون فرضیه اول و دوم از رابطه (۱) استفاده می‌شود:

$$AF_{it} = \alpha + \beta_1 II_{i,t} + \beta_2 PCON_{i,t} + \beta_3 PCON * II_{i,t} + \beta_4 TA_{i,t} + \beta_5 CR_{i,t} + \beta_6 INV_{i,t} + \beta_7 AR_{i,t} + \beta_8 OPN_{i,t} + \beta_9 LOSS_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} AUDITOR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در الگوی فوق حق الزحمه حسابرسی (AF) متغیر وابسته و مالکان نهادی متغیر مستقل (II) و ارتباطات سیاسی متغیر تعدیلگر (PCON) است و به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

**متغیر وابسته:** در این پژوهش حق الزحمه حسابرسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، برای اندازه‌گیری حق الزحمه حسابرسی از لگاریتم طبیعی هزینه‌های حسابرسی استفاده شده است.

**متغیر مستقل:** مالکیت نهادی است که طبق تعریف بوش<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۸)، مالکان نهادی شامل سهام‌نهادهایی مانند بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و صندوق‌های بازنشستگی است. در این پژوهش نسبت تعداد سهام در اختیار مالکان نهادی به کل سهام شرکت استفاده می‌شود. اطلاعات مربوط به سهامداران نهادی از اطلاعاتی مربوط به گزارش‌های سالیانه هیئت مدیره به دست می‌آید.



**متغیر تعدیل‌گر:** در این پژوهش ارتباطات سیاسی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در نظر گرفته می‌شود. شاخص ارتباطات سیاسی دارای سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فردی است. بعد اقتصادی آن عبارت است از درصد مالکیت مستقیم دولت از سرمایه شرکت‌ها. بعد اجتماعی آن عبارت است از سرمایه‌گذاری نهادهای وابسته به دولت در سرمایه شرکت‌ها است. بعد فردی آن عبارت است از شرکت‌هایی که در سطح مدیریت آن‌ها (مدیرعامل، هیأت مدیره و...) افرادی از دولت مانند رئیس جمهور، نماینده مجلس، وزیر و نماینده شرکت‌های دولتی باشد (اعتمادی و احمدی گورجی، ۱۳۹۴) و یا اینکه حداقل یکی از اعضای هیئت مدیره نماینده شرکت دولتی باشد (فانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

در این پژوهش برای محاسبه و اندازه‌گیری ارتباطات سیاسی، دو شرط در نظر گرفته شده است عبارت است از: شرط اول: در صورتی که سهام در اختیار دولت و نهادهای وابسته به دولت بیشتر از ۵۰ درصد باشد شرکت دارای ارتباط سیاسی است. به عنوان مثال، شرکت‌های دولتی و واگذاری شده به سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت، و نهادهای حکومتی (شبه دولتی) است (دریائی و شهرابی، ۱۳۹۷). طبق پژوهش خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) نهادهای وابسته به دولت مانند سرمایه‌گذاری ملی ایران، بیمه تأمین اجتماعی، بنیاد مستضعفان و ... را شامل می‌شود. شرط دوم: اگر حداقل یکی از اعضای هیأت مدیره نماینده شرکتی دولتی باشد، بنابراین، شرکتی با ارتباطات سیاسی تلقی می‌شود (فانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

طبق شروط فوق الذکر، چنانچه در شرکتی این دو شرط به صورت همزمان وجود داشته باشد به عنوان شرکت دارای ارتباطات سیاسی در نظر گرفته می‌شود که در این صورت عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر برای آن در نظر گرفته می‌شود.

طبق پژوهش تی و همکاران (۲۰۱۷)، متغیرهای کنترلی شامل:

TA: اندازه شرکت است که از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

CR: نسبت جاری شرکت است که از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری محاسبه می‌شود.

INV: از نسبت موجودی‌های شرکت به کل دارایی‌ها است.

AR: از نسبت حساب‌های دریافتی به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

OPN: اظهار نظر حسابرس است، اگر حسابرس نظر تعدیل شده ارائه دهد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

LOSS: اگر شرکت طی سه سال گذشته دچار زیان شده باشد، عدد ۱ در غیر این صورت برابر عدد صفر است.

ROA: از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

AUDITOR: اگر شرکت مورد نظر توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.



نام متغیر	AF	II	PCON	TA	CR	INV	ARS	OPN	LOSS	ROA	AUDITOR
TA	۰/۶۳۶	۰/۳۰۵	۰/۲۸۷	۱							
CR	-۰/۱۳۶	-۰/۱۲	-۰/۱۳	-۰/۱۸	۱						
INV	۰/۱۴۲۲	-۰/۰۵	-۰/۰۰	-۰/۲۳	۰/۳۲۷	۱					
ARS	۰/۰۲۳۴	-۰/۰۶	-۰/۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۴۵	-۰/۲۶	۱				
OPN	-۰/۰۲۴	-۰/۰۱	۰/۱۸۷	۰/۱۰۷	-۰/۸۹	-۰/۱۰	۰/۰۷۰	۱			
LOSS	-۰/۱۳۹	-۰/۰۱	-۰/۰۹	-۰/۱۶۷	-۰/۰۹	-۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۱۷۵	۱		
ROA	۰/۰۵۵	۰/۲۳۲	۰/۰۸۳	۰/۱۷۶	۰/۳۷	۰/۰۳۹	-۰/۰۰	۰/۱۶۷	۰/۳۵۵	۱	
AUDITOR	۰/۳۹۵	۰/۱۴۶	۰/۲۳	۰/۲۰۵	-۰/۱۵	-۰/۰۴	۰/۱۰۱	۰/۰۷۳	۰/۰۴۰	-۰/۰۵	۱

### آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

در این پژوهش، جهت اطمینان از اینکه ارتباط خطی میان متغیرهای مستقل و کنترلی بر نتایج پژوهش اثرات نامطلوبی خواهد داشت یا خیر، عامل تورم واریانس محاسبه شده است. طبق جدول ۴، مقدار شاخص عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ به دست آمد؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که وجود این هم‌خطی مشکلی را برای نتیجه‌گیری بر مبنای الگو ایجاد نخواهد کرد. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع باقیمانده الگوها از آزمون جارک-برا استفاده شد. با توجه به اینکه سطح معناداری این آزمون کمتر از ۵ درصد است، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای الگوهای پژوهش رد می‌شود، اما طبق قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد مشاهدات در نمونه مورد بررسی به میزان کافی زیاد باشد، توزیع داده‌ها به نرمال نزدیک است و حتی اگر جامعه نرمال نباشد، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. معناداری آماره نسبت راستمایی (۳۸۱/۸۹)، نشان می‌دهد که باقیمانده الگو، مشکل ناهمسانی واریانس دارد و جهت رفع این موضوع، با رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد.

### نتایج آزمون فرضیه‌ها

در ابتدا جهت انتخاب الگوی رگرسیونی مناسب باید آزمون F لیمر و در صورت لزوم آزمون H هاسمن انجام شود. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. آزمون F لیمر و H هاسمن فرضیه‌ها

نام آزمون	آماره	احتمال	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۹/۰۱۶	۰/۰۰	داده‌های تابلویی
آزمون H هاسمن	۹۸/۶۳	۰/۰۰	اثرات ثابت

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه‌شده از آزمون F لیمر برابر صفر و کوچک‌تر از ۵ درصد است، از این رو باید از روش داده‌های تابلویی استفاده نمود. سطح معناداری محاسبه‌شده از آزمون H هاسمن نیز برابر ۰/۰۰ و کوچک‌تر از ۵ درصد است، بنابراین، روش اثرات تصادفی ناسازگار است و باید از روش اثرات ثابت استفاده شود.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	۱۱/۰۸۳۱	۳۰/۲۸۰۳	۰/۰۰۰۰	-
مالکیت نهادی	-۰/۵۴۴۵	-۲/۶۹۴۴	۰/۰۰۷۲	۲/۹۷۹۲
ارتباطات سیاسی	۰/۱۶۸۴	۰/۸۶۶۳	۰/۳۸۶۶	۵/۵۹۸۷
(مالکیت نهادی * ارتباطات سیاسی)	۰/۰۱۴۶	۰/۰۵۴۸	۰/۹۵۶۳	۸/۸۴۳۸
اندازه شرکت	۰/۶۷۷۶	۲۹/۲۳۰۳	۰/۰۰۰۰	۱/۳۲۶۷
نسبت جاری	۰/۰۴۱۰	۶/۸۰۲۰	۰/۰۰۰۰	۱/۴۸۶۰
نسبت موجودی‌ها به کل دارایی‌ها	۰/۶۹۵۰	۸/۰۸۳۵	۰/۰۰۰۰	۱/۳۵۲۷
نسبت حساب‌های دریافتی به کل دارایی‌ها	۰/۳۸۹۰	۷/۳۵۷۶	۰/۰۰۰۰	۱/۱۵۲۷
اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۲۹۱	-۱/۴۱۰۹	۰/۱۵۸۷	۱/۱۴۵۳
زیان خالص	۰/۰۴۴۵	-۲/۸۸۵۸	۰/۰۲۲۷	۱/۲۱۴۱
بازده دارایی‌ها	-۰/۵۴۷۱	-۸/۸۹۳۴	۰/۰۰۰۰	۱/۵۵۳۴
مؤسسه انجام‌دهنده حسابرسی	۰/۲۱۲۳	۱۱/۸۰۶۲	۰/۰۰۰۰	۱/۱۳۲۷
$R^2$			۰/۹۵۲۳	
$R^2$ تعدیل شده			۰/۹۴۳۴	
آماره F (سطح معناداری الگو)			۱۰۷/۴۹۳۳ (۰/۰۰۰۰)	
دوربین واتسون			۱/۵۳	

با توجه به جدول ۴، به منظور بررسی معنادار بودن الگوی رگرسیونی از احتمال آماره F در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. با توجه به آماره F به دست آمده (۱۰۷/۴۹) و نیز سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان کرد که الگو در کل از معناداری خوبی برخوردار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده که در جدول ۴ نشان داده شده است معادل ۰/۹۴۳۴ می‌باشد که بیان می‌کند متغیرهای تحقیق حدود ۹۴٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. آماره دوربین واتسون در جدول ۴ برابر ۱/۵۳ است که نشان می‌دهد که بین باقیمانده‌های الگو همبستگی متوالی وجود ندارد.

طبق جدول ۴، در بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی، ضریب متغیر مالکیت نهادی برابر (۰/۵۴۴۵-) و آماره t برابر ۲/۶۹۴۴- است که از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنادار است (۰/۰۰۷۲) و می‌توان گفت رابطه منفی بین مالکیت نهادی با حق الزحمه حسابرسی وجود داد و با افزایش مالکیت نهادی حق الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. در نتیجه می‌توان گفت که بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این نتیجه گویای تایید فرضیه اول می‌باشد.

فرضیه دوم بررسی می‌نمود که ارتباطات سیاسی شرکت رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را تضعیف می‌کند. نتیجه آزمون فرضیه دوم را در جدول ۴ می‌توان مشاهده نمود. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود ضریب متغیر ارتباطات سیاسی برابر (۰/۱۶۸۴) و آماره t برابر ۰/۸۶۶۳ است که از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنادار نیست (۰/۳۸۶۶). ضریب متغیر مالکیت نهادی \* ارتباطات سیاسی معادل (۰/۰۱۴۶) و آماره t برابر (۰/۰۵۴۸) می‌باشد.

باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی باشد و می توان گفت ارتباطات سیاسی شرکت، رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را تحت تاثیر قرار نمی دهد. با توجه به مطالب بالا می توان نتیجه گرفت که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری ندارد و فرضیه دوم پژوهش رد می شود. نتایج متغیرهای کنترلی نشان می دهد که بین اندازه شرکت، نسبت جاری، نسبت موجودی ها به کل دارایی ها، نسبت حساب های دریافتی به کل دارایی ها، زیان خالص، بازده دارایی ها؛ و موسسه انجام دهنده حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی، رابطه معناداری وجود دارد.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر ارتباطات سیاسی شرکت مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه فرضیه اول نشان می دهد که با افزایش درصد مالکیت نهادی میزان حق الزحمه حسابرسی کاهش می یابد. بر این اساس، با توجه به اینکه نهادهای سرمایه گذاری و سرمایه گذاران نهادی حجم قابل توجهی از ثروت خود را سرمایه گذاری می کنند، بر شرکت، نظارت دارند. در این نوع شرکت ها به دلیل نظارت فعال سرمایه گذاران نهادی، کیفیت گزارشگری در سطح بالایی قرار دارد که این امر موجب می شود که ریسک حسابرسی و حجم عملیات حسابرسی کاهش یابد، با کاهش حجم عملیات حسابرسی، میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان کم می شود. **خان و همکاران (۲۰۱۱)** و **میترا و همکاران (۲۰۰۷)**، بیان می کنند، فرضیه نظارت کارآمد سبب کاهش هر چه بیشتر مشکلات نمایندگی و افزایش کیفیت صورت های مالی می شود که در نتیجه ریسک و حجم حسابرسی کاهش می یابد و موجب ارتباط منفی بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی می شود.

باتوجه به مطالب گفته شده و نتایج آزمون فرضیه اول، بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه مالکیت نهادی بالاتر باشد، حق الزحمه حسابرسی شرکت پایین تر است که این مسئله با نتایج **خان و همکاران (۲۰۱۱)**، **میترا و همکاران (۲۰۰۷)** هماهنگ است. همچنین در این پژوهش وجود ارتباطات سیاسی در شرکت و تأثیر آن بر رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که ارتباطات سیاسی رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل نمی کند. باتوجه به تأیید نشدن فرضیه دوم می توان بیان نمود که ارتباطات سیاسی رابطه بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر خود قرار نمی دهد، که با نتایج **تی و همکاران (۲۰۱۷)**، سازگاری ندارد. بر این اساس، می توان بیان کرد که هیئت مدیره و مدیران دارای ارتباطات سیاسی در شرکت ها ممکن است به دلیل حفظ خوشنامی و حسن شهرت و اعتبار خود، نظارت کافی بر صورت های مالی داشته باشند و این اطمینان را به سهامداران بدهد که وجود ارتباطات سیاسی شرکت کیفیت گزارشگری مالی را تضعیف نمی کند. همچنین با توجه به مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاست های مالکیتی، نوعی کنترل بر فعالیت های شرکت های با سهامداران دولتی فراهم می شود، در واقع، به دلیل نظارت دقیق قانون گذار، اداره کنندگان به تضمین اضافی حسابرسان نیاز ندارند. در شرکت های دارای ارتباطات سیاسی، مدیران نظارت کافی بر صورت های مالی خواهند داشت و سهامداران نهادی نیاز به تلاش بیشتر حسابرسان در این نوع شرکت ها را احساس نمی کنند.

باتوجه به نتایج پژوهش، به سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان پیشنهاد می‌شود که برای سرمایه‌گذاری، شرکت‌هایی را در اولویت قرار دهند که درصد بالایی از سرمایه‌گذاری آن‌ها مربوط به سهامداران نهادی است، زیرا در این شرکت‌ها نظارت بالاتر و حق الزحمه کمتری به حساب‌رسان پرداخت می‌شود. همچنین به مؤسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی توصیه می‌شود که جهت برآورد اولیه از حق الزحمه حسابرسی، حضور و عدم حضور مالکان نهادی را مدنظر قرار دهند. با توجه به اینکه روابط سیاسی بالا باعث تعدیل حق الزحمه حسابرسی حساب‌رسان معتمد بورس شرکت می‌شود، به سرمایه‌گذاران بالقوه و سهامداران توصیه می‌شود که هنگام سرمایه‌گذاری روابط سیاسی شرکت را در نظر بگیرند و با توجه به این روابط در شرکت سرمایه‌گذاری کنند.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، انواع دیگر مالکیت، مانند مالکیت خانوادگی، مالکیت انفرادی و مالکیت شرکتی با حق الزحمه حسابرسی و تأثیر ارتباطات سیاسی به عنوان متغیر تعدیل‌گر مورد بررسی قرار گیرد.

#### یادداشت‌ها

1.Karim	2.Griffin	3.Tee	4.Mitra
5.Al-dhamari and Ku Ismail	6.Simunic	7.Ali and Lesage	8.Khan
9.DeAngelo	10.McConnell and Servaes	11.Gul	12.Boubakri
13.Chaney	14.Qian	15.Boo and Sharma	16.Shi
17. Hu	18. Goodwin	19.Bushee	20.Fung

#### منابع

- اعتمادی، حسین؛ احمدی گورجی، جلیل. (۱۳۹۴). بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری و کاهش محدودیت تأمین مالی در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، ۹(۲)، ۲۳-۴.
- بادآورنهندي، یونس؛ تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد و عملکرد شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲(۲۵)، ۱۹۸-۱۸۱.
- حساس یگانه، یحیی؛ علوی طبری، حسینو (۱۳۸۲). رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱(۱)، ۹۶-۷۱.
- خدادای، ولی؛ قربانی، رامین؛ خوانساری، نیکو. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۱)، ۷۲-۵۷.
- درخشی، رضا؛ بادرآور نهندي، یونس؛ برادران حسن‌زاده، رسول. (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی. *دانش حسابرسی*، ۱۵(۶۰)، ۱۱۴-۹۳.
- دریائی، عباسعلی؛ شهرابی، فاطمه. (۱۳۹۷). نقش تعدیل‌گر مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۷(۱)، ۱۴۲-۱۱۱.
- سعادتیان، محمدحسن؛ حاجیها، زهره؛ قهرمانی، سعید. (۱۳۹۲). تأثیر ساختار مالکیت بر هزینه‌های حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *یازدهمین همایش ملی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد*.
- گلستانی، رضا؛ مردانی، مهدی؛ فلسفی، آرزو. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهشی نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*.
- لاری دشت‌بیاض، محمود؛ اورادی، جواد. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۶(۲)، ۹۴-۶۹.
- مرادزاده فرد، مهدی؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ غلامی، رضا؛ فرزانه، حجت‌الله. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶(۲)، ۹۵-۸۸.

ملکیان، اسفندیار؛ احمدپور، احمد؛ طالب تبار آهنگر، میثم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، حق الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۴(۴)، ۳۷-۵۰.

مهربان پور، محمدرضا؛ جندقی قمی، محمد؛ رجب‌بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و حق الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۲)، ۲۶۹-۲۸۸.

مهرانی، ساسان؛ جمشیدی اوانکی، کوروش. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تعیین حق الزحمه حسابرسی. *حسابدار رسمی*، ۱(۷۸)، ۶۰-۷۸.

مهرانی، ساسان؛ فعال‌قیومی، علی؛ مرادی، محمد. (۱۳۹۱). رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری. *مجله دانش حسابداری*، ۳(۱۱)، ۳۱-۵۵.

مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد؛ اسکندر، هدی. (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲(۱۱)، ۶۲-۴۷.

## References

- Ali, C.B., Lesage, C. (2013). Les auditeurs financiers face aux conflits d'agence: Une étude des déterminants des honoraires d'auditeurs en France. *Comptabilité-Contrôle-Audit*, 19(1), 59-89.
- Al-dhamari, R., Ku Ismail, K.N.I. (2015). Cash holdings, political connections, and earnings quality: Some evidence from Malaysia. *International Journal of Managerial Finance*, 11(2), 215-231.
- Badavar Nahandi, Y., Taghizadeh Khanqah, V. (2018). The impact of political connections on overinvestment and firm performance. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 181-198 [In Persian].
- Boo, E.F., Sharma, D. (2008). The association between corporate governance and audit fees of bank holding companies. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 8(1), 28-45.
- Boubakri, N., El Ghouli, S., Saffar, W. (2013). Cash holdings of politically connected firms. *Journal of Multinational Financial Management*, 23(4), 338-355.
- Bushee, B.J. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *Accounting Review*, 305-333.
- Chaney, P.K., Faccio, M., Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51(1-2), 58-76.
- DeAngelo, L.E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183-199.
- Derakhshi, R., Badavar Nahandi, Y., Baradaran Hasanzade, R. (2015). The effect of ownership structure and financial structure on audit fee. *Journal of Audit Science*, 15(60), 93-114 [In Persian].
- Daryaei, A., Shahrabi, F. (2018). Mediator role of government ownership on relationship between real earnings management and future performance. *Management System*, 7(1), 111-142 [In Persian].
- Etemadi, H., Ahmadi Gorji, J. (2017). Effect of political connections on investment and reduce financing constraints in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Audit Research*, 9(2), 4-23 [In Persian].
- Fung, S.Y., Gul, F.A., Radhakrishnan, S. (2015). Corporate political connections and the 2008 Malaysian election. *Accounting, Organizations and Society*, 43, 67-86.
- Goodwin- Stewart, J., Kent, P. (2006). Relation between external audit fees, audit committee characteristics and internal audit. *Accounting & Finance*, 46(3), 387-40.
- Golestani, R., Falsafi, M., Falsafi, A. (2016). The Impact of board political connections on the relationship between audit committee and audit fees of companies listed in Tehran Stock Exchange. *2nd International Conference On modern Research in Management, Economics & Humanities* [In Persian].
- Griffin, P.A., Lont, D.H., Sun, Y. (2010). Agency problems and audit fees: further tests of the free cash flow hypothesis. *Accounting & Finance*, 50(2), 321-350.
- Gul, F.A. (2006). Auditors' response to political connections and cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, 44(5), 931-963.
- Hassan Yeganeh, Y., Alavi Tabari, H. (2003). The relationship between the expenditures on internal audit resources and the expenditures on external audit services. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 1(4), 71-96 [In Persian].

- Hu, F., Stewart, J., Tan, W. (2017). CEO's political connections, institutions and audit opinions. *Pacific Accounting Review*, 29(3), 283-306.
- Karim, K., Robin, A., Suh, S. (2016). Board structure and audit committee monitoring: Effects of audit committee monitoring incentives and board entrenchment on audit fees. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 31(2), 249-276.
- Khan, A.R., Hossain, D.M., Siddiqui, J. (2011). Corporate ownership concentration and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting*, 27(1), 125-131.
- Khodadadi, V., Ghorbani, R., Khansari, N. (2014). Investigating the effect of ownership structure on audit fees. *Accounting and Auditing Review*, 21(1), 57-72 [In Persian].
- Lee, W., Wang, L. (2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48(3), 643-676.
- Lari Dasht Bayaz, M. (2017). Audit committee characteristics and audit fee: evidence from Tehran Stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 6(2), 69-94 [In Persian].
- Malekian, E., Ahmadpour, A., Talebtabar Ahangar, M. (2013). The relationship between some corporate governance, audit fees and meter ownership of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Researches*, 4(4), 37-50 [In Persian].
- Mehrani, S., Jamshidi Evanaki, K. (2011). Influencing audit fee. *Journal of Official Accountant*, 13, 60-78 [In Persian].
- Mehrani, S., Faal Ghayoomi, A., Moradi, M. (2013). The relationship of institutional ownership, concentration of ownership and value relevance of accounting information. *Journal of Accounting Knowledge*, 3(11), 31-55 [In Persian].
- Mehrani, S., Moradi, M., Eskandar, H. (2010). The relationship between type of institutional ownership and conservative accounting. *Financial Accounting Researches*, 2(1), 47-62 [In Persian].
- Moradzadehfard, M., Nazemi Ardakani, M., Gholami, R., Farzani, H. (2009). The relationship between institutional stock ownership and earnings management in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 16(2), 88-95 [In Persian].
- Mehranpour, M.R., Jandaghi Ghomi, M.R., Rajabbeyki, M.A. (2018). Social capital and audit fees. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 269- 288 [In Persian].
- Saadatian, M.H., Hajiha, Z., Ghahremani, S. (2013). The effect of company ownership structure on audit fee. *11th Iranian Academic Accounting Conference*, Ferdowsi University of Mashhad [In Persian].
- McConnell, J.J., Servaes, H. (1990). Additional evidence on equity ownership and corporate value. *Journal of Financial Economics*, 27(2), 595-612.
- Mitra, S., Hossain, M., Deis, D.R. (2007). The empirical relationship between ownership characteristics and audit fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 28(3), 257-285.
- Qian, M., Pan, H., Yeung, B. (2010). Expropriation of minority shareholders in politically connected firms. [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1719335](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1719335)
- Tee, C.M., Gul, F.A., Foo, Y.B., Teh, C.G. (2017). Institutional monitoring, political connections and audit fees: Evidence from Malaysian firms. *International Journal of Auditing*, 21(2), 164-176.
- Shi, H., Xu, H., Zhang, X. (2018). Do politically connected independent directors create or destroy value? *Journal of Business Research*, 83, 82-96.
- Simunic, D.A. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18(1), 161-190.